

# خلوت خیالی

محسن عربی



سرشناسه  
عنوان و نام پدیدآور  
مشخصات نشر  
مشخصات ظاهری  
موضوع  
موضوع  
نوعیت و دست نویسی  
شماره کتابشناسی ملی

: عربی، محسن ۱۳۳۸  
: خلوت خیال / شاعر: محسن عربی.  
: تهران: آفتاب گیتی، ۱۳۹۹.  
: ۱۵۸ ص.  
: عارفانه ها  
: عاشقانه ها  
: فیبا  
: ۸۵۴۲۳۶۲

آفتاب گیتی

عنوان: خلوت خیال  
شاعر: محسن عربی  
صفحه آرای و تنظیم: امیر عربی  
نشر و پخش: موسسه انتشارات آفتاب  
گیتی نویت چاپ: اول، ۱۳۹۹  
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد  
چاپ: فذک  
قیمت: ۳۴۰۰۰۰ ریال  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۵-۴۴۱-۸

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

آدرس: تهران میدان انقلاب - نیش خیابان ۱۲ فروردین - آسمان  
ولیعصر - پلاک ۱۳۱۴ - طبقه سوم. واحد ۹  
نشر و پخش: ۹۱۲۳۳۴۲۳۶۲-۰۶۶۹۶۹۸۳۷

[www.aftabeaiti.com](http://www.aftabeaiti.com)

## عارفانه‌ها

- ۳ ..... هستی؛ به نام خدایی که از عشق جان آفرید
- ۵ ..... پیرن؛ بر عهدتان وفا کنید، به عهد خود وفا کنم
- ۷ ..... همدراه؛ روز و شب می‌گذرد باز تو فردای منی
- ۹ ..... اسرار؛ این سرانه را برای بشر، او سروده است
- ۱۰ ..... انتظار؛ در میان اختران مهتاب تنها مانده است
- ۱۲ ..... انتها؛ هر لحظه که یاد تو می‌گردون کرد
- ۱۴ ..... فراغ؛ پیر فرزانه بیا ما که گرفتار شدیم
- ۱۶ ..... بوی عشق؛ تو آمدی که بگویی جهان ی‌ایمان
- ۱۸ ..... حامی؛ ای کهکشان عشق گل و ریحماز نوبی
- ۲۱ ..... همدم؛ با لطف بی‌پایان تو از خویش بیرون می‌شوم
- ۲۳ ..... وادی عشق؛ ای قلم یاری کنی در جمله پیدا می‌شوم
- ۲۵ ..... اغماض؛ تو به حرمت نگاهت گذر از گناه ما کن
- ۲۷ ..... نجوا؛ چه شوربست بر دل ز غوغای عشق محمد(ص)
- ۲۹ ..... نفس؛ ای که القبای وجودم تویی
- ۳۰ ..... مولود کعبه؛ الهی هر که در عالم علی(ع) داشت

- جستجو؛ ز چه رو باز به دنبال خدا می‌گردی..... ۳۴
- امید؛ اگر چه مست گلابم من از گلستانت..... ۳۶
- اسارت؛ این بنده گرفتار تر از بودن در غرق گناه است..... ۳۸
- بی قرار؛ اگر سرشار از عطر بهاریم..... ۴۰

### عاشقانه ها

- ایران؛ خوش نام شیرین و فرهاد در قصه هاست..... ۴۳
- حصار؛ گفتم که بیل و قیل تو در سر نمی‌کنم..... ۴۵
- ناخوانده؛ آمدی در خاخم ای جان که جانانت شوم..... ۴۷
- تهیدست؛ این کفتر ما نامه نچیه است که منقار ندارد..... ۴۹
- اسیر؛ هیچ میدانی که آن دیوانه‌ی رویت من..... ۵۱
- مادر؛ او باغبان بهار و شکوه هر نفس است..... ۵۳
- اندیشه؛ من با طلوع مهر تو امروز، فردا می‌کنم..... ۵۵
- پدر؛ پدر هر لحظه به یادت ز درون می‌جوشم..... ۵۷
- صبوری؛ سالهاست بغض درونم نهان شده..... ۵۹
- میعاد؛ ای که هستی ات تبلور ماندن است..... ۶۱
- اختیار؛ تنها نشسته‌ام به ساحل دل غصه می‌خورم..... ۶۲

- فراموشی؛ هر چه در مدرسه آموخته بودم همه از یادم رفت ..... ۶۲
- کوچ؛ ای رونق زمانه‌ی من ای تو یار من ..... ۶۶
- نگاه؛ من به گردون کائنات گفتم ..... ۶۸
- نهار؛ در قاب خاطراتم عکسی ز تو کشیدم ..... ۶۹
- سایردان؛ ساقی مرو من ساغر لب‌ریز از خم کرده‌ام ..... ۷۰
- مادر بزرگوار؛ کاشکی مادر بزرگم بود تا مهر و وفا قسمت کند ..... ۷۲
- طاقت؛ ای ساقی چشم تو باران تمنا می‌کنم ..... ۷۴
- الوند؛ تو که از گرمی سرشید به ما گرمتری ..... ۷۶
- سازش؛ در میان نای و پی با نغمه‌ها می‌ساختم ..... ۷۸
- تشبیه؛ مجنون اگر چون ما شراب در کوی دل رسوا شوی ..... ۸۰
- باور؛ ساقی اگر پیاله‌ات را به ساحل دریای دل نشاندی ..... ۸۳
- دل‌نوازی؛ آخر تو کجایی که نفس رونق باران دهد ..... ۸۵

### بهمانه‌ها

- چه خبر .....؟! اینکه گفתי چه خبر - پاسخی جز این نیست ..... ۸۹
- حریم؛ از ناله‌های بیقرار و شکستن قامت آینه‌ی روزگار ..... ۹۲
- تکرار؛ شب شد و روز شد و شبان تکرار شد ..... ۹۳

- جفا؛ بر شیشه دل سنگ زدند از دل بیمار نوشتند..... ۹۴
- انکار؛ مگه می‌شه با تو بود و لب خندونی نداشت..... ۹۷
- دوست؛ در این آغاز فصل سرد!..... ۹۸
- توهم؛ آدم که نیستیم فقط شکل آدمیم..... ۱۰۰
- قدیم؛ به وقتایی عروسک‌ها عروس قصه‌ها بودند..... ۱۰۲
- نام؛ شکستن دل افسرده کار سختی نیست..... ۱۰۴
- نهی؛ ای غنچه‌ی شکفته‌ی شب‌های تار من..... ۱۰۶
- مرگ دل؛ چرا زیبا سرودی تو از قوی زیبا بمیرد..... ۱۰۹
- التماس؛ پنجره‌ها و واکنش‌ها به کم نفس بگیریم..... ۱۱۱
- گذار زمان؛ حلقه بر در مرید ناپیرکی در خواب است..... ۱۱۳
- غربت؛ ای دل چرا گرفته‌ای و شات رستاره نیست..... ۱۱۴
- اوج؛ بال‌های شکستمو باز کنم کمکم می‌کنی پرواز کنم..... ۱۱۶
- طعنه؛ از این قامت قد خمیده عصای گسسته مگه..... ۱۱۹
- رعد؛ توان یابم خدایا خوب می‌دانی..... ۱۲۱
- غبار؛ کی به تو گفت دل تو محزون کن..... ۱۲۳
- یادگار؛ در آسمان مهربانی که سقف هستی برای ماندن است..... ۱۲۶
- حدیث؛ بازار عاشقی کجاست که از آن بی‌خبر شدیم..... ۱۲۸
- بی‌خبر؛ طوفان عشق می‌وزید و همراه مرغ سحر نشد..... ۱۳۰

- تلاش؛ با پریشان حالیم بیگانگی‌ها می‌کنم..... ۱۳۲
- گذار؛ باید شبی گذر از ترک جان کنیم..... ۱۳۴
- چشم؛ قطره‌های باران روی چشمان می‌چکد..... ۱۳۶
- اتصال؛ چقدر خوبه همیشه همدم آسمون شی..... ۱۴۰
- میثاق؛ ای فلک آهسته به چرخ گردش خود رها مکن..... ۱۴۳
- گرفتار؛ دایم این قفس اگر پرنده‌ی بی‌آب و دانه‌ام..... ۱۴۵
- طریق؛ بساطت کهنه را هر روز از بر می‌کنم..... ۱۴۷